

آئین جهانی بهائی

سر پردهٔ یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید
همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار



وحدت عالم انسانی

ای یاران الهی تا توانید بر اتحاد و اتفاق با یکدیگر
کوشید زیرا کلّ قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر و لئالی یک صدف و
گل و ریاحین یک ریاض ، پس از آن در تألیف قلوب سائر ادیان
بیکدیگر جانفشانی نمائید و با هر فردی از افراد انسانی نهایت مهربانی
کنید . نفسی را بیگانه نخوانید و شخصی را بدخواه مشمرید . چنان
رفتار نمائید که جمیع خلق خویش و پیوندند و آشنا و ارجمند . چنان
سلوک نمائید که اینجهان فانی نورانی گردد و این گلخن ظلمانی گلشن
رحمانی شود



خدمت به خلق

هر مظلومی را ملجأ و پناه باشید و هر مغلوبی را دستگیر و مجیرِ توانا . هر
مریضی را طبیبِ حانق باشید و هر مجروحی را مرهمِ فائق شوید . هر
خائفی را پناه امین گردید و هر مضطربی را سببِ راحت و تسکین . هر
مغمومی را مسرور نمائید و هر گریانی را خندان کنید . هر تشنه را آب
گوارا شوید و هر گرسنه را مائده آسمانی گردید هر ذلیلی را سببِ عزت
شوید و هر فقیری را سببِ نعمت گردید.



ترک تعصبات

در پیش خدا سفید و سیاه نیست جمیع رنگها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت الهی است . بو و رنگ حکمی ندارد . قلب حُکم دارد . اگر قلب پاک است ، سفید یا سیاه ، هیچ لونی ضرر نرساند . خدا نظر بالوان ننماید . نظر بقلوب نماید . هر کس قلبش پاکتر بهتر . هر کس اخلاقش نیکوتر خوشتر . هر کس توجّهش بملکوت ابهی بیشتر پیشتر . الوان در عالم وجود هیچ حُکمی ندارد



ادب: سید اخلاق

يَا حِزْبَ اللَّهِ شَمَا رَا بَادِب وَصِيَّت مِينَمَايم وَ اوست در مقام
اول سید اخلاق . طوبی از برای نفسی که بنور ادب منور و بطراز راستی
مزین گشت . دارای ادب دارای مقام بزرگ است



استقامت در امور زندگی

در وقت امن و امان هر کسی هر کاری تواند ولی در وقتی
که باد و باران شدید و برف و تگرگ و رعد و برق و صاعقه عظیم از
هر جهت پی در پی و گردباد محیط در چنین مصیبتی و در قطب
دریا و طوفان عظیم اگر ناخدای آن شراع بگشاید قوتی عظیم بنماید و الا
در سکون دریا هر بینوایی بادبان باز کند و کشتی راند
... انسان باید مانند کوه آهنین رزین و رصین باشد و مقاومت
هر مشکلات نماید و تاچنین نگردد کار بانجام نمیرسد



اعتدال

در عالم امکان حیات و نجات هر شیء از اعتدال و حرکت بموقع است و ملمات و هلاکش تجاوز از حدّ اعتدال و عمل بغير موقع . هر امر ممدوح و گفتار و کردار مفیدی چون از اعتدال و موقع تجاوز کند قبیح و مضرّ گردد



انصاف: احبّ الاشياء

يا ابنَ الرُّوحِ أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي الْإِنْصَافُ لَا
تَرْغَبْ عَنْهُ إِنْ تَكُنْ إِلَيَّ رَاغِباً وَ لَا تَغْفُلْ مِنْهُ لِتَكُونَ
لِي أَمِيناً وَ أَنْتَ تُوقِّقُ بِذَلِكَ أَنْ تُشَاهِدَ الْأَشْيَاءَ
بِعَيْنِكَ لَا بِعَيْنِ الْعِبَادِ وَ تَعْرِفَهَا بِمَعْرِفَتِكَ لَا
بِمَعْرِفَةِ أَحَدٍ فِي الْبِلَادِ فَكِّرْ فِي ذَلِكَ كَيْفَ يَنْبَغِي
أَنْ تُكُونَ . ذَلِكَ مِنْ عَطِيَّتِي عَلَيْكَ وَ عِنَايَتِي لَكَ
فَاجْعَلْهُ أَمَامَ عَيْنَيْكَ



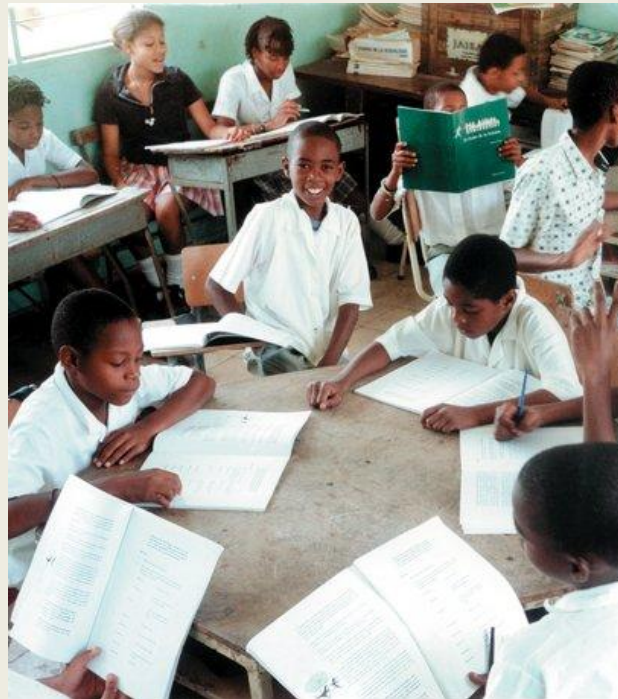
انقطاع

مقصود از انقطاع ، انقطاع نفس از ما سوی الله است یعنی ارتقاء بمقامی
جوید که هیچ شیء از اشیاء از آنچه در ما بین سموات و ارض مشهود است
او را از حقّ منع ننماید یعنی حبّ شیء و اشتغال بآن او را از حبّ الهی و
اشتغال بذکر او محجوب ننماید



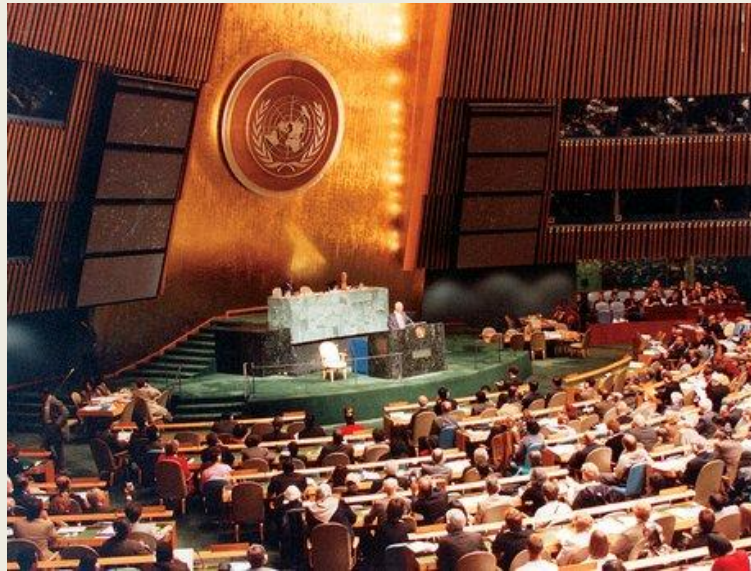
تربیت

حضرت موجود میفرماید انسان را بمثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما بتربیت جواهر آن بعرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد



تعاون: اساس حیات

اساس حیات و وجود تعاون و تعاضد است و سبب انعدام و اضمحلال، انقطاع این امداد و استمداد . و هر چه رتبه بالاتر آید این امر عظیم یعنی تعاون و تعاضد شدیدتر گردد . لهذا در عالم انسانی تعاون و تعاضد اتمّ و اکمل تر از سائر عوالم است بقسمی که بکلی زندگانی انسانی مربوط باین امر عظیمست



تواضع و فروتنی

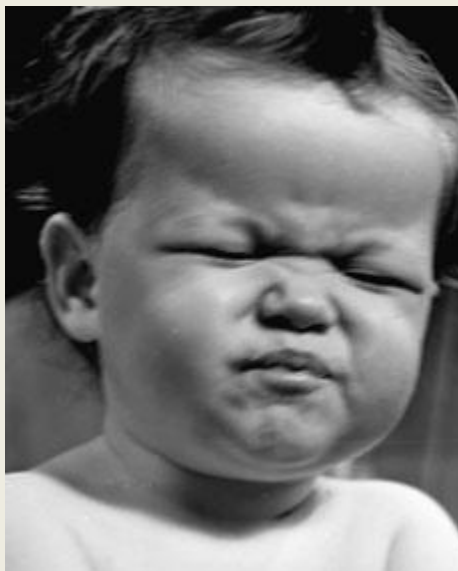
انسان نباید خود را برتر دیگران داند بلکه باید همیشه خاضع و خاشع باشد ،
مرغ تا خود را پست می بیند ترقی و صعود مینماید بمحض اینکه خود را بالا
دید پائین میآید



خلق خوش

براستی میگویم لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت میلانید

از تکلم بیفایده احتراز کند چه زبان ناری است افسرده و کثرت بیان سمی است
هلاک کننده . نار ظاهری اجساد را محترق نماید و نار لسان ارواح و افئده را
بگذارد . اثر آن بساعتی فانی شود و اثر این نار بقرنی باقی ماند



حیات عائله

خداوند چنان اتحاد و اتّفاقی بین زن و شوهر خلق نموده است که هیچکس نمیتواند در این دنیا بالاتر از این اتّحادی را تصوّر کند . شما باید دائماً شجر الفت و اتّحاد خود را با آب علاقه و محبّت آبیاری نمائید

باید تصوّرات و افکار عالی و آسمانی خود را بیکدیگر بگوئید هیچ امر مخفی در بین خود نداشته باشید . خانه خود را محلّ راحتی و صفا نمائید . مهمان نواز باشید و در منزل خود را بروی آشنا و بیگانه باز گذارید . هر تازه واردی را با روئی متبسم استقبال کنید و خوش آمد گوئید و طوری با ایشان رفتار نمائید که احساس کنند که در خانه من هستند



چشم خطا پوش

بقصور کس نظر ننمائید جمیع را بنظر عفو ببینید زیرا چشم خطا بین نظر
بخطا کند اما نظر خطا پوش بخالق نفوس بنگرد



دعا و مناجات

قلب انسان جز بعبادت رحمن مطمئن نگردد و روح انسان جز بذكر يزدان مستبشر نشود . قوت عبادت بمنزله جناح است روح انسانی را از حضيض ادنی بملکوت ابهی عروج دهد و کینونات بشریّه را صفا و لطافت بخشد و مقصود جز باین وسیله حاصل نشود



شکر

شُکر نعماء الهیّه هنگام سختی و زحمت لازم زیرا در بحبوحه نعمت هر نفسی میتواند شاکر باشد حکایتیست که سلطان محمود خربزه ای را برید و به ایاز داد . ایاز میخورد و اظهار شکر و سرور مینمود . آخر چون سلطان خود قدری از آن خربزه چشید دید بسیار تلخ است . از ایاز پرسید که خربزه باین تلخی را چگونه خوردی و ملال نیاوردی جواب گفت که من از دست سلطان نعمتهای گوناگون بسیار لذیذ و شیرین خورده بودم لهذا سزاوار ندانستم که یکمرتبه تلخی بینم و اظهار ملال کنم . پس انسانی که غرق نعماء الهی است اگر وقتی جزئی زحمتی ببیند نباید متأثر شود و مواهب الهیّه را فراموش کند



صدق و راستی

صدق و راستی اساس جميع فضائل انسانی است اگر نفسی از آن محروم ماند از ترقی و تعالی در کلیه عوالم الهی ممنوع گردد و چون این صفت مقدّس در نفسی رسوخ نماید سایر صفات و کمالات قدسیّه بالطبع حاصل شود و فرد کامل گردد



عدل

هیچ نوری به نور عدل معادله نمی نماید. آنست سبب نظم عالم و راحت امم

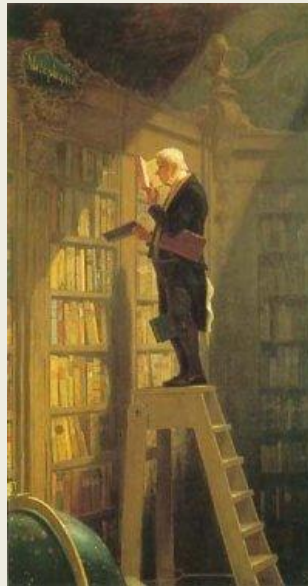
عدالت یگانه اساس و بنیان رصین و مؤبد صلح اعظم یزدانی است



علم: جناح وجود

علم بمنزله جناح است از برای وجود و مراقبت از برای صعود . تحصیلش بر کلّ لازم ولکن علومی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومی که بحرف ابتداء شود و بحرف منتهی گردد

براستی میگویم هر آنچه از نادانی بکاهد و بر دانائی بیفزاید او پسندیده آفریننده بوده و هست



اغنياء و فقرا

ای پسران تراب اغنیا را از ناله سحرگاهی فقرا اِخبار کنید که مبادا از غفلت
بہلاکت افتند و از سدرہ دولت بی نصیب مانند. الْكِرَمَ وَالْجُودَ مِنْ خِصَالِي
فَهَنِيئاً لِمَنْ تَزَيَّنَ بِخِصَالِي

باید قوانین و نظاماتی گذارد که جمیع بشر براحت زندگانی کنند یعنی
همچنانکه غنی در قصر خویش راحت دارد و بانواع موائد سفره او مزین
است فقیر نیز لانه و آشیانه داشته باشد گرسنه نماند تا جمیع نوع انسان راحت
یابند . امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسأله تحقق نیابد سعادت
برای عالم بشر ممکن نیست



قناعت

قناعت در هر موردی محبوب است حتی در تجارت. مقصد سهولت معیشت است زیرا ثروت موقت است و توسیع دائره تجارت سبب پریشانی حال و عاقبت ندارد

ای پسران دانش چشم سر را پلک بآن نازکی از جهان و آنچه در اوست بی بهره نماید دیگر پرده از اگر بر چشم دل فرود آید چه خواهد نمود



مشورت: سراج هدایت

حضرت موجود میفرماید آسمان حکمت الهی بدو نیر روشن و منیر مشورت و شفقت. در جمیع امور به مشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت. راه نماید و آگاهی عطا کند



تساوی حقوق زن و مرد

از جمله تعالیم حضرت بهاءالله وحدت نساء و رجال است که عالم انسانی را دو بال است یک بال رجال و یک بال نساء تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید. اگر یک بال ضعیف باشد پرواز ممکن نیست. تا عالم نساء متساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود فلاح و نجاح چنانکه باید و شاید ممتنع و محال



نظافت و طهارت

در جمیع مراتب تنزیه و تقدیس و پاکی و لطافت سبب علوئیّت عالم انسانی و ترقّی حقائق امکانیست حتّی در عالم جسمانی نیز لطافت سبب حصول روحانیّت است چنانکه صریح کتب الهی است و نظافت ظاهره هر چند امریست جسمانی ولکن تأثیر شدید در روحانیّات دارد



نماز: اسّ اساس

صلوة أُسّ اساس امر الهی است و سبب روح و حیات قلوب
رحمانی . اگر جمیع احزان احاطه نماید چون بمناجات در صلوة مشغول
گردیم کلّ غموم زائل و رُوح و ریحان حاصل گردد حالتی دست دهد که
وصف نتوانم و تعبیر ندانم و چون در کمال تنبّه و خضوع و خشوع در
نماز بین یدی الله قیام نمائیم و مناجات صلوة را بکمال رقت تلاوت نمائیم
حلاوتی در مذاق حاصل گردد که جمیع وجود حیات ابدیه حاصل کنند



وفا

هو الله ای میر وفا در عالم وجود صفتی بهتر و خوشتر
و شیرین تر از وفا نیست این منقبت از اعظم اساس دین الهی است .
اگر انسان از جمیع صفات حمیده محروم باشد ولی باین صفت قدسیّه
موصوف عاقبت حائز کمالات میگردد و اگر چنانچه حائز جمیع صفات
کمالیه باشد و از صفت وفا بی بهره آن کمال به نقص مبدل گردد و آن
خیر به شرّ و آن نورانیّت بظلمت و آن عزّت بذلت منتهی شود

